



زندگینامه مهندس شهلا صفیاری پژوهشگر خستگی‌ناپذیر جنگل‌های مانگرو ایران

پریسا پناهی^{۱*} و مسعود علیها^۲

۱ دانشیار پژوهش، گروه تحقیقات باغ گیاه‌شناسی ملی ایران، بخش تحقیقات گیاه‌شناسی، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران. پست الکترونیک: panahi@rifr-ac.ir
۲ مربی پژوهش، بخش تحقیقات مرتع، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران



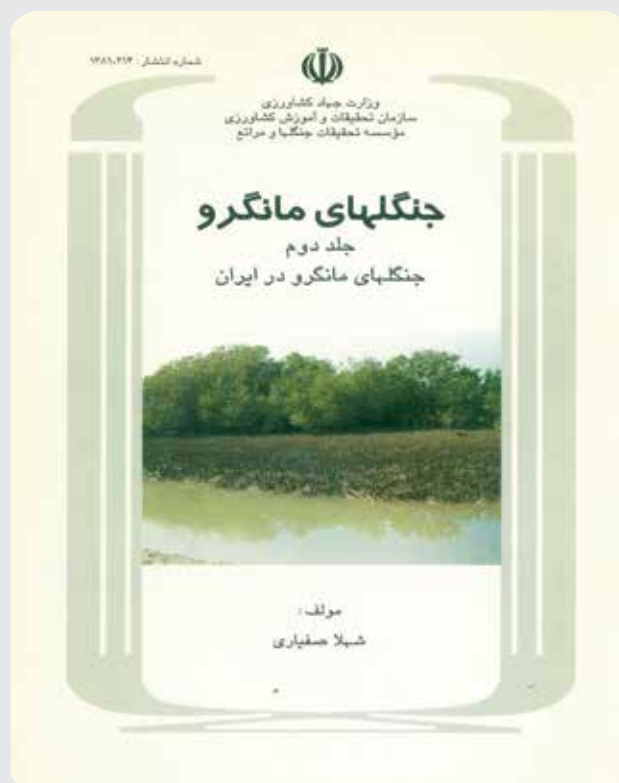
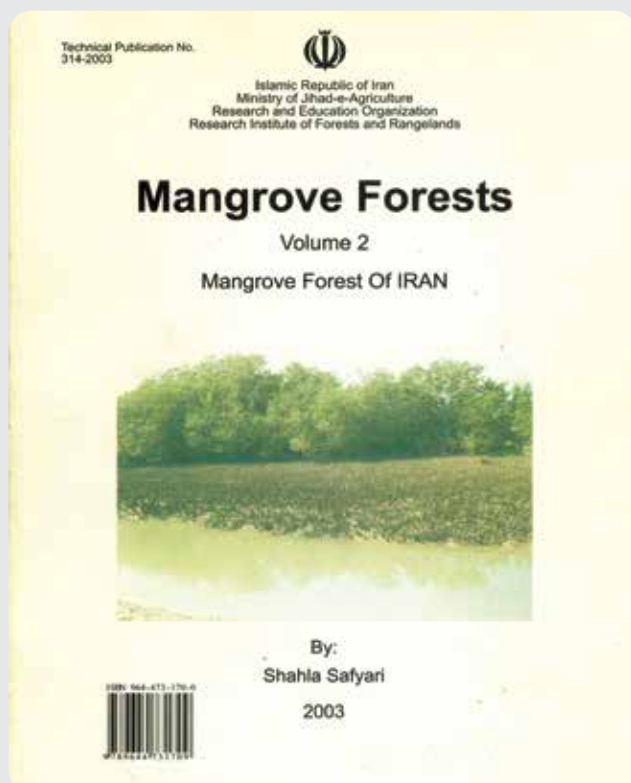
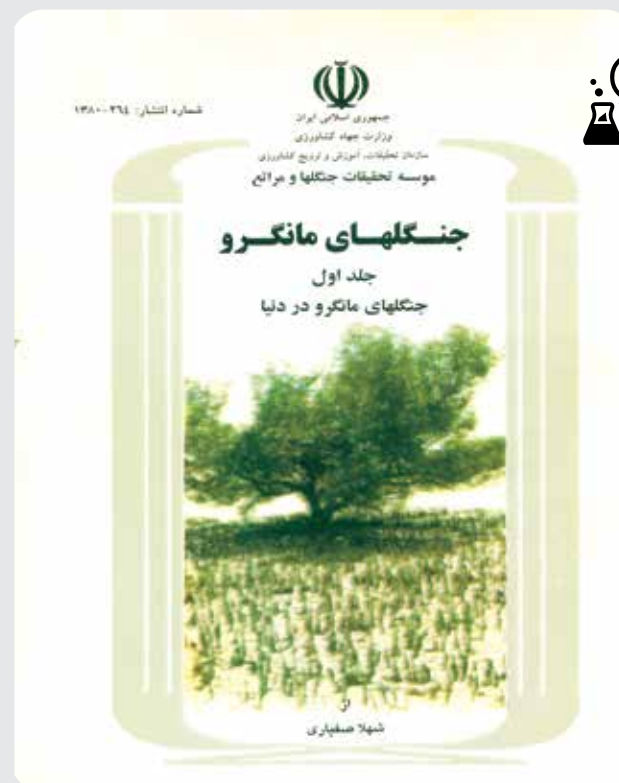
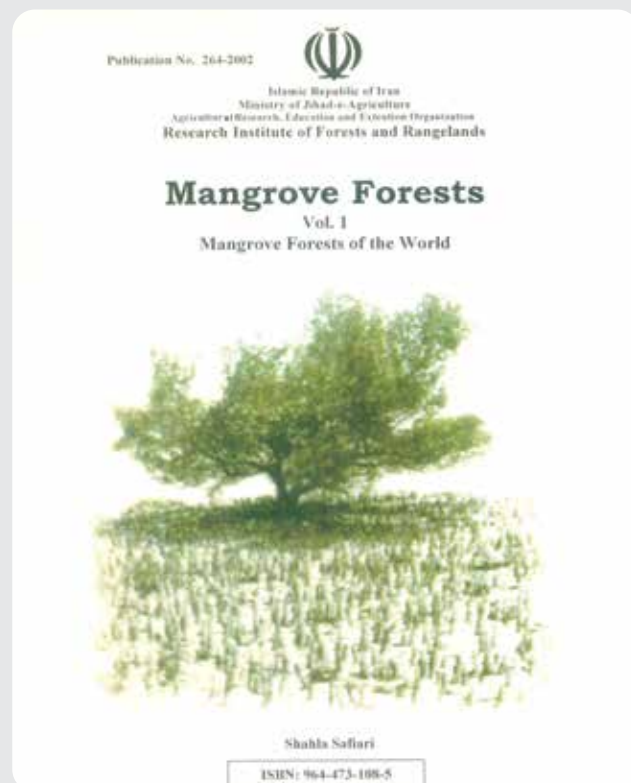
خانم مهندس شهلا صفیاری در سال ۱۳۳۱ در خانواده‌ای فرهنگی در تهران دیده به جهان گشود. بدیهی است در چنین خانواده‌هایی گرایش فرزندان به همان سویی است که بزرگ‌ترهای خانواده به آن گرایش دارند. مادر ایشان فرزند پزشکی سرشناس و پدرشان نیز در خانواده‌ای فرهنگی و تحصیل‌کرده پرورش یافته بودند. از این‌رو، تربیت و تحصیل فرزندان‌شان امری مهم تلقی می‌شد. پدر ایشان پس از اتمام تحصیلات خود در ایران، با هدف تحصیلات عالی به اروپا و در کشور آلمان مشغول به تحصیل شد و مدرک مهندسی ابزارآلات را دریافت نمود. سپس به ایران برگشت و در تهران مشغول به کار شد. از آنجایی که ایشان در کنار تحصیلات





مهندسی به علوم مذهبی نیز علاقه‌مند بود، با توجه به تسلط کامل به زبان عربی شروع به فراگیری علوم دینی نزد اساتید بنام کرد و حافظ قرآن شد. مهندس شهلا صفیاری، پس از اخذ دیپلم متوسطه از دبیرستان هدف تهران، برای ادامه تحصیل به دانشگاه شیراز رفت که در آن زمان در زمره دانشگاه‌های معتبر دنیا محسوب می‌شد. پس از اخذ مدرک کارشناسی، برای ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد به کشور آلمان رفت، اما متأسفانه به دلیل

مهندسی به علوم مذهبی نیز علاقه‌مند بود، با توجه به تسلط کامل به زبان عربی شروع به فراگیری علوم دینی نزد اساتید بنام کرد و حافظ قرآن شد. مهندس شهلا صفیاری، پس از اخذ دیپلم متوسطه از



بیماری مادر و دل‌تنگی، بیشتر از یک ترم آنجا نماند و به ایران بازگشت. پس از فوت مادر، برای همیشه در ایران ماند و در همان زمان (سال ۱۳۵۶) به استخدام مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع درآمد که در آن زمان در خیابان ولیعصر تهران قرار داشت. ایشان پس از جابه‌جایی مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع به باغ گیاه‌شناسی ملی ایران، نیز در این مؤسسه ماند و تا هنگام بازنشستگی در بخش تحقیقات جنگل به خدمت صادقانه پرداخت. در اوایل خدمت در مکان جدید، علاوه بر انجام وظیفه در بخش تحقیقات جنگل، هم‌زمان در واحد خدمات فنی- پژوهشی فعالیت می‌کرد و مدتی نیز مسئولیت مرکز اسناد و کتابخانه را برعهده داشت.

در دوران کاری در مؤسسه موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران شد. بنابه صلاحدید ریاست وقت بخش جنگل، درمورد جنگل‌های مانگرو مشغول به مطالعه و پژوهش شد. کار در جنگل‌های مانگرو به‌دلائل مختلف مانند شرایط استقرار مانگروها در محیط خاکی- آبی، بُعد مسافت از تهران و بسیاری از موارد دیگر کاری مشکل بود. تا آن زمان، مطالعات زیادی درمورد جنگل‌های مانگرو در ایران انجام نشده بود، فقط مطالب محدودی در سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور وجود داشت و غیر از آن منابع دیگری در اختیار نبود. ایشان تصمیم خود را گرفت و در این زمینه شروع به کار کرد. پس از جمع‌آوری اطلاعات لازم، بررسی طرح‌ها را آغاز و نتایج به‌دست‌آمده را به شکل کتاب در مؤسسه منتشر کرد. با وجود سختی کار، خوشبختانه پژوهش‌های انجام‌شده قرین موفقیت شد. موفقیت در پژوهش‌های چنین جوامعی مرهون چند عامل است. نخست، همکاران جدی، کوشا و مسلط به کار، که خوشبختانه چنین همکارانی به کمک ایشان شتافتند. دوم، تعامل و احترام به روستاییان مستقر در حاشیه جنگل‌های مانگرو، که بدون وجود آنها امکان کار در شرایط دشوار این جنگل‌ها وجود نداشت. وجود راهنمای مجرب که منطقه را به‌خوبی بشناسد، تهیه قایق مناسب و بسیاری از موارد دیگر، اموری است که بدون کمک روستاییان

حاشیه این جنگل‌ها ممکن نیست و سرانجام، همکاری با ادارات مختلف استان در امر پژوهش بسیار مهم است. اداره‌کل منابع طبیعی استان هرمزگان به‌عنوان همکار، یکی از مهم‌ترین منابع بود که آرشیو بزرگی درمورد کاشت و ازدیاد جنگل‌ها داشت، البته که این اطلاعات مدون نبود، اما آنها را با گشاده‌دستی در اختیار ایشان قرار داد. به گونه‌ای که جلد سوم کتاب مانگرو برگرفته از اطلاعاتی است که از این اداره دریافت شد. همکاری با استانداری و سایر ارگان‌ها نیز به‌دلیل نفوذ در منطقه بسیار مهم بود، اینها مواردی بود که نویسنده در خلال کار به آنها پی برد و مذاکرات مثبتی در این مورد انجام داد. خانم مهندس صفیاری برای ادامه پژوهش‌های خود درمورد گیاهان مانگرو به‌عنوان مطلع پیشنهاد می‌کند، پژوهشگران، پروژه‌های خود را به‌صورت گروهی انجام دهند. درغیراین‌صورت، کار بسیار مشکل است و گاهی به ثمر نمی‌رسد. به گفته ایشان جنگل‌های مانگرو در ایران ظرفیت‌های زیادی برای پژوهش‌های علمی دارند که امید است پژوهشگران ایرانی آن را به ثمر برسانند.

ایشان در طول دوران خدمت خود، در اجرای چهار طرح پژوهشی، مجری بوده‌اند و در اجرای ۱۲ طرح نیز به‌عنوان همکار مشارکت داشته‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- بررسی کاشت و توسعه جنگل‌های حرا در نواحی مختلف خلیج فارس و دریای عمان با هدف تعیین بهترین روش کاشت
- طرح بررسی رویشگاهی و اکولوژیکی گونه چنل *Rhizo-phora mucronata* در جنوب ایران (سواحل عمان- بندر سیریک)
- طرح بررسی جامع جنگل‌های حرا (مانگرو) در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان
- طرح ملی تهیه و نگارش مشخصات جنگل‌شناسی گونه‌های درختی و درختچه‌ای جنگلی در استان سیستان و بلوچستان
- بررسی امکان کشت گونه حرا *Avicennia marina* درفواصل مختلف ساحلی از منطقه جزرومد
- بررسی توسعه جنگل‌های مانگرو با کاشت گونه‌های حرا





Avicennia marina و چندل Rhizophora mucronata در

سواحل و خورهای استان هرمزگان

- فنولوژی گونه‌های کنار و رملیک در استان خوزستان

صفیاری در طول مدت خدمت، تجارب و خاطرات زیادی با همکاران مؤسسه داشت. در این میان، ذکر نظر برخی از ایشان، خالی از لطف نیست.

خانم دکتر زیبا جم‌زاده: در سال ۱۹۹۳ به اتفاق خانم مهندس شهلا صفیاری و آقای دکتر مصطفی جعفری در پانزدهمین کنگره گیاه‌شناسی در توکیو ژاپن شرکت کردیم. حسن سلوک و همراهی ایشان از خاطرات خوب و به‌یادماندنی این سفر بود. در بازگشت و در تهیه و نگارش گزارش سفر، دقت و مهارت ایشان در ویرایش فایل گزارش شگفت‌انگیز بود.

آقای دکتر عادل جلیلی: خانم مهندس صفیاری یکی از کم‌حاشیه‌ترین افرادی بود که همواره با سخت‌کوشی خود تمرکز خوبی بر کار داشت. ایشان با دریا عجین شده بود تا پروژه بررسی اکولوژی مانگروها و سطوح آنها را با دقت خوبی دنبال کند که در نهایت موفق به کسب نتایج ارزشمندی در این زمینه شد.

آقای دکتر خسرو ثاقب‌طالبی: بر این باورم که خانم مهندس

صفیاری به‌عنوان بانویی پژوهشگر توانست به‌خوبی و به‌تثابی پروژه مانگروها را هدایت کند. نام نیک او همواره در میان همکاران به یادگار خواهد ماند.

آقای مهندس هاشم کنشلو: سفرهای کاری بسیاری با ایشان داشتم. همواره سنجیده و غیرشتاب‌زده تصمیم‌گیری می‌کرد و نسبت به مشکلات، واکنش سریعی نشان نمی‌داد.

آقای مهندس محمود نهاوندی: در یکی از مأموریت‌های اداری به غرب استان هرمزگان (بندر خمیر) به‌همراه خانم مهندس صفیاری برای جمع‌آوری اطلاعات جنگل‌های حرا، که در سفرهای پیشین ناتمام مانده بود، هرچه جویا شدیم، قایق موتوری مناسبی پیدا نکردیم. تا اینکه یکی از اهالی پذیرفت پسرش را به‌عنوان ناخدا و راهنما همراه ما راهی دریا کند. پس از حدود ۳۰ دقیقه پسر نوجوانی که همان ناخدا بود، آمد و سوار قایق شدیم. پیش از حرکت از ایشان جویا شدیم که آیا سوخت کافی به‌همراه دارد و اگر ندارد همین‌جا تهیه کنیم که توجهی نکرد و حرکت کردیم. به محل خورها رسیدیم. حدود ۶ ساعتی برداشت‌های لازم را انجام دادیم. ناگفته نماند که همین‌طور که در خورها پیش می‌رفتیم، من و خانم مهندس صفیاری به ناخدا می‌گفتیم، هروقت سوخت به نیمه رسید، اطلاع دهد تا برگردیم. یک‌وقت متوجه شدیم که از چهار گالن سوخت فقط یک گالن باقی مانده بود، درحالی‌که مسیر زیادی را باید برمی‌گشتیم و سوخت کافی نداشتیم. بخشی از مسیر را بازگشتیم، اما سوخت به اتمام رسید. هوا هم در حال تاریک‌شدن بود. هر قایقی از دوردست در حرکت بود، بدون توجه به درخواست کمک ما دور می‌شد. خانم مهندس صفیاری به‌شدت دچار استرس و نگرانی شده بود. تا اینکه دو پسر بچه دوازده یا سیزده ساله با قایقی پر از سوخت برای جاسازی در بین جنگل‌ها به‌منظور قاچاق کالا در نیمه‌های شب نزدیک شدند. ناخدا، من و خانم مهندس صفیاری با کلی خواهش و التماس از آنها درخواست سوخت کردیم و به هر شکلی بود، مقداری سوخت تهیه کردیم و سپس به بندر خمیر برگشتیم.

روانشاد خانم مهندس صفیاری افزون‌بر احساس مسئولیت در انجام امور محوله، در ارتباط با همکاران و کارشناسان نهادهای دیگر، که به‌نوعی با آنها در ارتباط بود، به خوشرویی، حسن نظر و روحیه مثبت در همکاری، بسیار معروف بود. سلوک رفتار ایشان زبازند خاص و عام بود، هم‌اکنون نیز در هر جمعی از ایشان به نیکی یاد می‌شود. از دیگر ویژگی‌های شخصیتی ایشان، همفکری، رهنمود همراه با دلسوزی و توکل به ذات اقدس احدیت در گره‌گشایی از مشکلات پیش‌آمده بود.

مهندس صفیاری دارای یک فرزند دختر هستند که تحصیلات عالی در مدیریت علوم هنری دارند و یک نوه ۱۴ ساله که به گفته خودشان در زمان حیاتشان، عشق را در وجودش شناخته و قلبش را در زندگی روشن کرده است. متأسفانه این بانوی پژوهشگر در فروردین ماه ۱۴۰۳ از دنیا رفت. روحش شاد و قرین رحمت الهی.